

نقش میانجی خودشناسی انسجامی در رابطه بین مؤلفه‌های دلبستگی والدین با خودپنداره دانش آموزان

Parents' Coherent Self-Knowledge as Mediators of the Relationship between Parental Attachment Components with Students' Self-Concept

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.17.4.685>

P. Sedghi, M.A.

Department of Psychology, Islamic Azad University,
Roodehen Branch, Iran

A. Shomali Oskoei, Ph.D.

Department of Psychology, Islamic Azad University,
Roodehen Branch, Iran

M. Mojtabaei, Ph.D.

Department of Psychology, Islamic Azad University,
Roodehen Branch, Iran

✉ پروین صدقی

گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

دکتر آرزو شمالی اسکویی

گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

دکتر مینا مجتبابی

گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۱۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

Abstract

The purpose of this study is to investigate the mediating role of parents' coherent self-knowledge between parental attachment components and students' self-concept.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی خودشناسی انسجامی در رابطه بین مؤلفه‌های دلبستگی والدین با خودپنداره دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش توصیفی - همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود.

✉ Corresponding author: Department of Psychology, Islamic Azad University, Roodehen Branch, Iran
Email: Parvinsedghi@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

پست الکترونیکی: Parvinsedghi@gmail.com

The method of the study was descriptive-correlation of structural equation modeling. The statistical population of the study included all female high school students in Tehran and their parents in the academic year of 2021 from which 446 people were selected by the cluster sampling. Participants completed the questionnaires of Raj Kumar Sarasut' self-concept, Hazan & Shaver's attachment and Ghorbani's integrative self-knowledge. Data were analyzed using descriptive statistics and path analysis. The results showed that the direct effects of the attachment style (secure, avoidance and ambivalent) and coherent self-knowledge on self-concept were significant. Cohesive self-knowledge also played a mediating role in the relationship between parental attachment styles and students' self-concept. Accordingly, the parents' attachment styles can predict students' self-concept through the mediation of integrative self-knowledge.

Keywords: Attachment Components, Self-Concept, Integrative Self-Knowledge, Mediating Role.

جامعه آماری پژوهش تمامی دانش‌آموزان دختر متوسطه اول شهر تهران و والدینشان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند که از بین آن‌ها ۴۴۶ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه‌های خودپنداره راج کمار ساراسوت، دلبستگی هازن و شیور، و خودشناسی انسجامی قربانی را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و روش تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که اثرات مستقیم سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و خودشناسی انسجامی بر خودپنداره معنی‌دار بود. همچنین خودشناسی انسجامی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی والدین با خودپنداره دانش‌آموزان نقش میانجی داشت. بر این اساس، سبک‌های دلبستگی والدین با میانجی‌گری خودشناسی انسجامی می‌توانند خودپنداره دانش‌آموزان را پیش‌بینی نمایند.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های دلبستگی، خودپنداره، خودشناسی انسجامی، نقش میانجی

مقدمه

نوجوانی به‌عنوان یکی از مراحل مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به شمار می‌رود (پوترینی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹) چرا که انتقال از کودکی به نوجوانی تحت تأثیر تغییرات مهم در سطوح عاطفی و شناختی قرار دارد (ویبولو، هولت و مازتی^۲، ۲۰۱۱) و به دلیل هم‌زمانی با بلوغ جسمانی با تغییرات فیزیولوژیکی، روان‌شناختی و اجتماعی به‌عنوان یکی از دوره‌های مهم بروز اختلالات مختلف روان‌شناختی و روان‌پزشکی در نظر گرفته می‌شود (بوشیماسو^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). در این دوره، خانواده یکی از محوری‌ترین محیط‌های تربیتی است که در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی فرد نقش بسزایی دارد. شرایط روانی

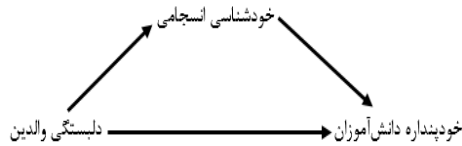
خانواده مانند روابط عاطفی والدین نسبت به فرزندان، فرزندان نسبت به یکدیگر و والدین نسبت به هم در ایجاد سازگاری و سلامت روانی، رشد مهارت‌های اجتماعی، پیشرفت و موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان نقش تسهیل‌کننده یا بازدارنده دارد (آسن نیلسن، بریویک، وولد و بوئی^۴، ۲۰۱۸). همچنین رابطه والد - فرزندی رابطه‌ای مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است و این ارتباط نخستین دنیای ارتباطاتی است که کودک تجربه می‌کند و احساس عشق، صمیمیت و امنیت به طور مستقیم ریشه در این روابط دارد (کرنز هولت^۵، ۲۰۱۲). یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در بررسی رابطه والد - فرزند، مفهوم دلبستگی است که به ارتباط عمیق و پایدار برقرار شده میان کودک و مراقبش در سال اول زندگی گفته می‌شود (جیول^۶ و همکاران، ۲۰۱۹) و به طور عمیقی تمام جنبه‌های زندگی فرد مانند ذهن، جسم، هیجانات، ارتباطات و ارزش‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بروفی، براهله، هینز، اشمیت و کورنر^۷، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر دلبستگی یک فرایند دوسویه از ارتباط هیجانی است که رشد روان‌شناختی، فیزیکی و شناختی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بنایی برای اعتماد و بی‌اعتمادی کودک به شمار می‌آید و چگونگی ارتباط کودک با دنیا را شکل می‌دهد و نحوه یادگیری و ارتباط را در سراسر زندگی مشخص می‌کند. اگر این فرایند گسیخته باشد، ممکن است کودک در تشکیل مبنای ایمنی، که لازمه بهداشت روانی کودک در بزرگسالی است، با شکست مواجه شود (شنکمن، اشتین و باس^۸، ۲۰۱۹). سبک‌های دلبستگی و چگونگی احساس و اعمال والدین با یکدیگر و نحوه تعامل آنان با فرزندان نقشی مهم در توسعه ارتباطاتشان با فرزندان (کورا، اوزترک و کارا^۹، ۲۰۱۶؛ الکساندر و اوهارا^{۱۰}، ۲۰۰۹)، پرخاشگری (کوکیناس، آلیووانوگلو و وولگاریدو^{۱۱}، ۲۰۱۹)، ظرفیت نظم‌جویی هیجانی/رفتاری (رومئو^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۰؛ بروماریو^{۱۳}، ۲۰۱۵)، راهبردهای مقابله با تنیدگی (زیمرگمبک^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۷؛ گوسنس^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۱) و مشکلات رفتاری (کوان، کوان، پروت و پروت^{۱۶}، ۲۰۱۹) دارد. پژوهش پریوست، تاوارز، سیلوا و ماگالهایس^{۱۷} (۲۰۲۰) نشان داده که رشد هویت کودکان و نوجوانان به تجارب و ادراکات آن‌ها از خانواده و به‌ویژه والدین وابسته است، در این میان پیوند عمیق و رابطه عاطفی میان والدین حائز اهمیت است و باعث پرورش حس خودباوری و اعتماد به نفس در فرزندان می‌شود (چویی، لی و رید^{۱۸}، ۲۰۲۰).

شکل‌گیری هویت فرآیندی ساده‌انگارانه نیست، بلکه ابعاد متفاوتی بر آن اثر دارد. یکی از ابعاد تحول نوجوانی، نظم‌بخشی است که خود متأثر از رابطه اولیه کودک با منبع دلبستگی است (برزونسکی و کاک^{۱۹}، ۲۰۰۰). کودک از لحظه تولد صدای والدین خود را می‌شنود، رفتار آنان را ادراک و درونی کردن صدای والدین خود را آغاز می‌کند (اشمست‌هلرئو^{۲۰}، ۲۰۰۵). از دیگر ابعاد می‌توان به عوامل عصبی‌زیستی، نوع رابطه نوجوان با مراقبت‌کننده‌های خود و تجربیات روانی اجتماعی در محیط زندگی اشاره نمود (اویماد، واشینگتن و گالو^{۲۱}، ۱۹۸۹). رشد هویت در سایه دلبستگی رخ می‌دهد، این فرآیند پیش‌رونده شامل یکپارچه‌سازی آگاهانه اعتقادات فرد درباره خودش، اعتقادات فرد راجع به دیدگاه دیگران و تعهد نسبت به ارزش‌های شخصی و هدف‌های زندگی است. نتایج پژوهش‌های شماره ماره و عثمان^{۲۲} (۲۰۱۹) و چانگ، مک‌برید چانگ، استوارت و آیو^{۲۳} (۲۰۰۳) نشان داده که خانواده نقش اساسی در رشد خودپنداره نوجوانان ایفا می‌نماید، به گونه‌ای که خودپنداره تحت تأثیر روابط مثبت با اعضای خانواده، دریافت حمایت عاطفی از والدین و همچنین نبود آشفتگی در محیط خانواده قرار دارد و روابط مثبت والدین با فرزندان، احساس همبستگی خانواده و

سلامت روانی و همچنین خودپنداره مثبت آنان را در پی خواهد داشت (یال‌راز^{۲۴} و همکاران، ۲۰۲۰؛ وندلور، جین پریت، پرز و شویی^{۲۵}، ۲۰۰۹؛ بهنک^{۲۶} و همکاران، ۲۰۰۸). در این راستا، یکی از متغیرهایی که اثری تسریعی بر دیگر شرایط نوجوان دارد و می‌تواند سبک هویت وی را تحت تأثیر قرار دهد (قربانی، بینگ، واتسن، دیویسون و همکاران^{۲۷}، ۲۰۰۳) و در ارتباط نزدیک با متغیرهای مرتبط با خانواده قرار دارد، «خودشناسی» است، فرایندی روان‌شناختی سازش‌یافته، پویایی و انسجامی که به صورت زمان‌مند عمل می‌کند و هدف آن خودنظم‌دهی است (قربانی، واتسن و هارگیس^{۲۸}، ۲۰۰۸). اصغری و بشارت^{۲۹} (۲۰۱۱) که در پژوهش خود به بررسی رابطه بین والدگری ادراک‌شده (از جمله مشارکت، حمایت خودمختاری و ابعاد صمیمیت) با خودشناسی انسجامی پرداخته بودند، دریافته‌اند که حمایت و صمیمیت و خودمختاری درک‌شده با خودشناسی انسجامی ارتباط مثبت دارد و حمایت و خودمختاری درک‌شده و سپس صمیمیت (به‌ویژه از سمت مادر) می‌تواند تغییرات خودشناسی انسجامی را پیش‌بینی کند. خودشناسی انسجامی به تلاش‌های فرد برای یکپارچه کردن خود در گذشته، حال و آینده اشاره دارد (قربانی، واتسون و هارگیس، ۲۰۰۸) و شامل توجه به تجربه‌هایی که در زمان حال به دست می‌آید و یادگیری از تجربه‌های گذشته است و با پیامدهای مثبت همچون مقابله کارآمد و بهزیستی روان‌شناختی مرتبط است (ایمانی، کریمی، بهبهانی و امید^{۳۰}، ۲۰۱۷). مطالعات مختلف نشان داده‌اند که بین خودشناسی انسجامی با خودشناسی، خودآگاهی و ذهن‌آگاهی (قربانی، کانینگهام^{۳۱} و واتسون، ۲۰۱۰)، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی (ایمانی، کریمی، بهبهانی و امید^{۳۲}، ۲۰۱۷) و خودمهارگری (قربانی، علیپور و فرزاد^{۳۳}، ۲۰۱۶) ارتباط مثبت وجود دارد و بین خودشناسی انسجامی با استرس ادراک‌شده و آشفتگی‌های هیجانی (ولی‌خانی و گودرزی^{۳۳}، ۲۰۱۷؛ قاسمی‌پور، رابینسون^{۳۴} و قربانی، ۲۰۱۳؛ بهجتی، سعیدی، نوربالا، انجدانی و مبدی^{۳۵}، ۲۰۱۱)، مشکلات بین‌فردی (قربانی، واتسون، فیاض و چن^{۳۶}، ۲۰۱۵) و علائم جسمانی (قربانی، علیپور و فرزاد، ۲۰۱۶) ارتباط منفی وجود دارد.

به‌طور کلی، دوران نوجوانی مقطع بسیار حساسی از زندگی فرد محسوب می‌شود که با تغییرات گسترده شناختی و ساختاری همراه است که در این بین محیط تعاملی زندگی و حضور والدین تأثیرات بسزایی بر خودپنداره، عزت‌نفس و احتمالاً مشکلات آتی نوجوانان برجای می‌گذارد. در این راستا، خانواده یک نظام طبیعی و اجتماعی است که افراد خواسته یا ناخواسته به آن وابسته‌اند و اولین کانونی است که فرد در آن احساس امنیت می‌کند و مورد پذیرش و حمایت قرار می‌گیرد. ساخت و فضای روانی خانواده، که ترکیب کلی و مجموعه روابط بین اعضای خانواده است، هر کدام به‌گونه‌ای خاص عملکرد و رفتار فرد را در جهت رویارویی با مسائل و موانع و فشارهای روانی، اضطراب‌ها، ترس‌ها و سایر محرک‌های ناخوشایند تحت تأثیر قرار می‌دهند. با توجه به اهمیت و بحرانی بودن دوره نوجوانی از لحاظ شکل‌گیری هویت، مطالعه این دوره از زندگی از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. هرچند در بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده شده که خانواده نقش مهمی در شکل‌گیری خودپنداره فرزندان دارد اما این مسئله که دلبستگی والدین از چه مسیری بر کیفیت خودپنداره فرزندان اثرگذار است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین با توجه به وجود خلأ پژوهشی در این زمینه و احساس نیاز برای انجام پژوهش‌های بیشتر، ضروری است که به بررسی نقش میانجی خودشناسی انسجامی در این بین پرداخته شود. در نتیجه پژوهش حاضر به دنبال بررسی فرضیه مذکور است

و با این مسئله روبه‌رو است که آیا خودشناسی انسجامی در رابطه بین دلبستگی والدین و خودپنداره دانش‌آموزان نقش میانجی را دارد؟



شکل ۱: نمایی شماتیک از طرح پژوهش

روش

روش اجرای پژوهش حاضر توصیفی و طرح پژوهش همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. در این پژوهش جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختران متوسطه اول شهر تهران و والدینشان در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند که تعداد آن‌ها ۱۳۳۵۸۶ بود و از میان آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و با در نظر گرفتن احتمال ریزش، ۵۰۰ دانش‌آموز و والدینشان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند، به این ترتیب که از میان ۲۲ منطقه آموزش و پرورش شهر تهران، یک منطقه (منطقه سیزده) به صورت تصادفی انتخاب شد و مراحل نمونه‌گیری طبق مجوزهای صادره‌شده از سوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن و اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران صورت گرفت و سپس با مکاتبه با اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۳، پرسش‌نامه‌ها به صورت آنلاین از طریق منطقه ذی‌ربط به صورت تصادفی به هفت دبیرستان ارسال شد.

در رابطه با حجم نمونه در حوزه مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM)^{۳۷}، استیون^{۳۸} (۱۹۹۶)، به نقل از مایر، گامست و گوارینو^{۳۹} (۲۰۰۶) نسبت ۱۵ آزمودنی به ازای هر متغیر مشاهده‌شده و میشل^{۴۰} (۱۹۹۳)، به نقل از مایر، گامست و گوارینو، (۲۰۰۶) نسبت ۱۰ تا ۲۰ آزمودنی به ازای هر متغیر مشاهده‌شده را توصیه می‌کنند. در پژوهش حاضر با توجه به تعداد متغیرها و مؤلفه‌هایشان تعداد ۵۰۰ دانش‌آموز و والدینشان بر اساس ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، تحصیل در مقطع اول متوسطه و ملاک‌های خروج از پژوهش شامل تکمیل نکردن سؤالات پرسش‌نامه و سابقه مشکلات و ناتوانایی‌های متوسط تا شدید یادگیری (جهت جلوگیری از تداخل در توانایی تکمیل درست پرسش‌نامه‌ها و شرکت در پژوهش) تعیین شدند. پس از انجام هماهنگی‌های اداری و دریافت مجوزهای لازم برای آموزش و پرورش منطقه ۱۳، با توجه به شرایط کرونا و به منظور رعایت اصول اخلاقی که سلامت شرکت‌کنندگان در پژوهش یکی از آن‌ها بود، سه پرسش‌نامه خودپنداره (راج کمار ساراسوت)، مؤلفه‌ها و سبک‌های دلبستگی (هازن و شیور) و خودشناسی انسجامی (قربانی، واتسن و هارگیس، ۲۰۰۸) از حالت کاغذی تبدیل به پرسش‌نامه‌های آنلاین شدند و سپس لینک دسترسی به پرسش‌نامه‌ها از طریق آموزش و پرورش منطقه سیزده در اختیار شرکت‌کنندگان پژوهش قرار گرفت. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها توسط والد یا مراقب، یک کد رهگیری در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت که فرزند ایشان می‌توانست پس از ورود به سایت و وارد نمودن کد رهگیری، پرسش‌نامه مربوط به خود را تکمیل نماید. پس از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های

مخدوش که به صورت تصادفی یا ناقص پاسخ داده شده بودند و پس از بررسی داده‌های پرت چندمتغیری، در نهایت ۵۴ پرسش‌نامه حذف شدند و ۴۴۶ پرسش‌نامه باقی ماندند.

میانگین و انحراف استاندارد سن (به سال) دانش‌آموزان شرکت‌کننده به ترتیب ۱۳/۴۲ و ۰/۸۶ بود و تعداد ۱۴۸ نفر (۳۳/۲ درصد) از آنان در پایه هفتم، ۱۸۱ نفر (۴۰/۶ درصد) در پایه هشتم و ۱۱۷ نفر (۲۶/۲ درصد) در پایه نهم مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش ۳۴۹ نفر (۷۸/۳ درصد) از مادران و ۹۷ نفر (۲۱/۷ درصد) از پدران دانش‌آموزان حضور داشتند. میانگین و انحراف استاندارد سن والدین شرکت‌کننده به ترتیب ۴۲/۴۱ و ۵/۸۲ بود. میزان تحصیلات ۷۶ نفر (۱۷ درصد) از والدین شرکت‌کننده در پژوهش زیر دیپلم، ۱۹۵ نفر (۴۳/۸ درصد) دیپلم، ۵ نفر (۱/۱ درصد) فوق‌دیپلم، ۱۲۵ نفر (۲۸ درصد) لیسانس و ۴۵ نفر (۱۰/۱ درصد) بالاتر از لیسانس بود. شایان توجه است که کدهای اخلاقی مانند محرمانه بودن اطلاعات، صادقانه بودن اطلاعات، اصل رازداری و اصل نوع‌دوستی خیررسانی نیز رعایت شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار LISREL و روش تحلیل مسیر و همچنین نسخه ۲۴ نرم افزار AMOS استفاده شد.

ابزارهای مورد استفاده جهت جمع‌آوری داده‌ها عبارت بودند از:

پرسش‌نامه خودپنداره راج کما ساراسوت (SCQ)^{۴۱}: این پرسش‌نامه را راجرز^{۴۲} (۱۹۵۸) ساخته و دارای ۴۸ سؤال و ۶ بعد جسمانی (تصور فرد از بدن، سلامت، ظاهر جسمانی و قدرت بدنی خودش)، اجتماعی (احساس ارزش شخصی در تعامل‌های اجتماعی)، خلق‌وخو (تصور فرد از حالت عاطفی معمول یا تسلط نوع خاصی از واکنش عاطفی)، آموزشی (تصور فرد از خود در ارتباط با مدرسه، معلم و فعالیت‌های فوق‌برنامه)، اخلاقی (تخمین فرد از ارزش اخلاقی فرد، کارهای درست و نادرست) و عقلانی (آگاهی فرد از هوش و استعداد حل مسئله و داوری‌های خودش) است و هر بعد شامل ۸ سؤال پنج‌گزینه‌ای است. نظام نمره‌گذاری برای تمامی سؤالات از ۱ تا ۸ است. کرمی^{۴۳} (۱۳۸۱) پایایی پرسش‌نامه را با روش آزمون-آزمون مجدد^{۴۴} نمره کل خودپنداره ۰/۹۱ گزارش کرد و ضریب پایایی ابعاد گوناگون از ۰/۶۷ تا ۰/۸۸ بوده است (به نقل از دوستان^{۴۵}، ۱۳۸۸). در پژوهش بخش، معین و سهامی^{۴۶} (۱۳۹۱) پایایی پرسش‌نامه فوق ۰/۸۷ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسش‌نامه دلبستگی هازن و شیور (AAQ)^{۴۷}: پرسش‌نامه دلبستگی هازن و شیور در سال ۱۹۸۷ ساخته شده است که ۱۵ سوال دارد و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (از خیلی کم=۱، تا خیلی زیاد=۵) مورد سنجش قرار می‌دهد. کمینه و بیشینه نمره در خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۵ و ۲۵ است. ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل نمونه به ترتیب برابر با ۰/۸۶، ۰/۸۴ و ۰/۸۵، برای دانشجویان دختر به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶ گزارش شده است (قنبری هاشم‌آبادی، حاتمی و رزانه،

اسمعیلی و فرحبخش^{۴۸}، (۱۳۹۰). در تحقیقی که پاکدامن^{۴۹} (۱۳۸۰) بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) انجام داده، اعتبار بازآزمایی به ترتیب برای دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا، اجتنابی و ایمن برابر با ۰/۷۶، ۰/۵۲ و ۰/۳۷ و میزان آلفای کرونباخ کل نیز ۰/۷۹ به دست آمده. در پژوهش مؤذنی، آقایی و گل‌پرور^{۵۰} (۱۳۹۳) آلفای کرونباخ سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب برابر با ۰/۶۲، ۰/۶۵ و ۰/۶۳ به دست آمده. در پژوهش ارقبایی، سلیمانیان، محمدی‌پور و قلعه‌نوی^{۵۱} (۱۳۹۸)، ضریب آلفای کرونباخ برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۵۷، سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۷۶، سبک دلبستگی دوسوگرا ۰/۵۶ و برای کل مقیاس ۰/۶۸ به دست آمده. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا و برای کل مقیاس به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۲، ۰/۶۸ و ۰/۷۰ به دست آمده‌اند.

مقیاس خودشناسی انسجامی (ISK):^{۵۲} این مقیاس را قربانی، واتسن و هارگیس (۲۰۰۸) ساخته‌اند و دو وجه تجربه‌ای و تأملی خودآگاهی را به منظور سنجش خودشناسی مبتنی بر ادغام تجربه‌های گذشته با آگاهی تجربی کنونی و پیوستن آن به آینده مطلوب باهم ادغام کرده‌اند. این مقیاس ۱۲ ماده دارد و دامنه ۵ درجه‌ای پاسخ‌های آن از «عمدتاً درست» تا «عمدتاً نادرست» درجه‌بندی می‌شود. عبارات ۳، ۶ و ۹ خودآگاهی تأملی؛ عبارات ۱، ۵، ۷ و ۸ خودآگاهی تجربه‌ای و باقی عبارات خودشناسی انسجامی را می‌سنجند. پایایی این مقیاس در یک گروه ۲۳۰ نفری از دانشجویان دانشگاه تهران به این شکل بود: ضریب آلفای کرونباخ برای خودشناسی تجربه‌ای ۰/۹ و برای خودشناسی تأملی ۰/۸۴. همبستگی میان دو وجه برابر با $r=0.74$ بود (واترمن^{۵۳}، ۱۹۹۹). پایایی بازآزمایی این مقیاس پس از ۷ تا ۸ هفته فاصله زمانی با یک نمونه ۴۴ نفری به این صورت بود: پایایی برای خودشناسی تجربه‌ای ۰/۷۶ و برای خودشناسی تأملی ۰/۶۸. همچنین همسانی درونی، روایی ملاک و همگرایی این مقیاس در ایران و آمریکا مطلوب گزارش شده است (قربانی، واتسن و هارگیس، ۲۰۰۸). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای خودشناسی تجربه‌ای و خودشناسی تأملی به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۷۹ به دست آمد.

بیان یافته‌ها

اطلاعات توصیفی متغیرهای سبک‌های دلبستگی، خودپنداره و خودشناسی انسجامی و مؤلفه‌های آن‌ها (شامل میانگین و انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش) در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. سبک دلبستگی (اجتنابی)	۱۱/۸۵	۳/۸۴	-											
۲. سبک دلبستگی (ایمن)	۱۵/۰۰	۴/۱۸	-۰/۱۹**	-										
۳. سبک دلبستگی (دوسوگرا)	۱۲/۳۵	۳/۱۵	۰/۲۶**	-۰/۲۳**	-									
۴. خودشناسی انسجامی (تأملی)	۱۱/۸۶	۳/۱۰	-۰/۱۹**	۰/۴۱**	-۰/۱۷**	-								
۵. خودشناسی انسجامی (تجربی)	۱۳/۳۰	۴/۷۱	-۰/۲۷**	۰/۱۷**	-۰/۲۲**	۰/۵۹**	-							
۶. خودشناسی انسجامی (انسجامی)	۱۴/۷۵	۴/۰۹	۰/۳۳**	۰/۲۶**	-۰/۲۹**	۰/۶۵**	۰/۶۱**	-						

خودپنداره اجتماعی، خودپنداره خلق‌و‌خو، خودپنداره آموزشی، خودپنداره اخلاقی و خودپنداره عقلانی سنجیده می‌شود. جدول ۳ شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری اولیه و اصلاح‌شده

شاخص‌های برازندگی	مدل اولیه	اصلاح مدل	نقطه برش
مجذور کای	۴۷۷/۲۴	۳۱۴/۶۵	-
درجه آزادی مدل	۸۴	۶۱	-
کای اسکوئر به هنجار شده (χ^2/df)	۵/۶۸	۳/۷۹	کمتر از ۳
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۸۶۸	۰/۹۱۶	> ۰/۹۰
شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)	۰/۸۱۱	۰/۸۷۸	> ۰/۸۵۰
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۸۸۷	۰/۹۳۴	> ۰/۹۰
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۱۰۳	۰/۰۷۹	< ۰/۰۸

جدول ۳ نشان می‌دهد که شاخص RMSEA حاصل از تحلیل عاملی تأییدی، از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گرآوری شده حمایت نمی‌کند ($\chi^2/df=۶/۰۹$ ، $GFI = ۰/۹۱۷$ ، $CFI = ۰/۹۲۳$ ، $AGFI = ۰/۸۵۱$ و $RMSEA = ۰/۱۰۷$). با توجه به اهمیت شاخص برازندگی RMSEA مدل اندازه‌گیری با ایجاد کوواریانس بین خطاهای دو نشانگر خودپنداره اخلاقی و آموزشی متغیر مکنون خودپنداره دانش‌آموزان اصلاح و شاخص‌های برازندگی قابل قبول حاصل شد ($\chi^2/df=۳/۹۰$ ، $GFI = ۰/۹۵۳$ ، $CFI = ۰/۹۶۴$ ، $AGFI = ۰/۸۸۱$ و $RMSEA = ۰/۰۸۱$). در مدل اندازه‌گیری بزرگ‌ترین بار عاملی متعلق به نشانگر خودشناسی انسجامی ($\beta = ۰/۹۰۸$) و کوچک‌ترین بار عاملی متعلق به نشانگر خودپنداره آموزشی ($\beta = ۰/۵۲۴$) بود. بدین ترتیب با توجه به اینکه بارهای عاملی همه نشانگرها بالاتر از $۰/۳۲$ بود، بنابراین همه آن‌ها از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند. پس از اطمینان از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده و اطمینان از توان نشانگرها در اندازه‌گیری متغیرهای مکنون، مدل ساختاری با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری آزمون شد.

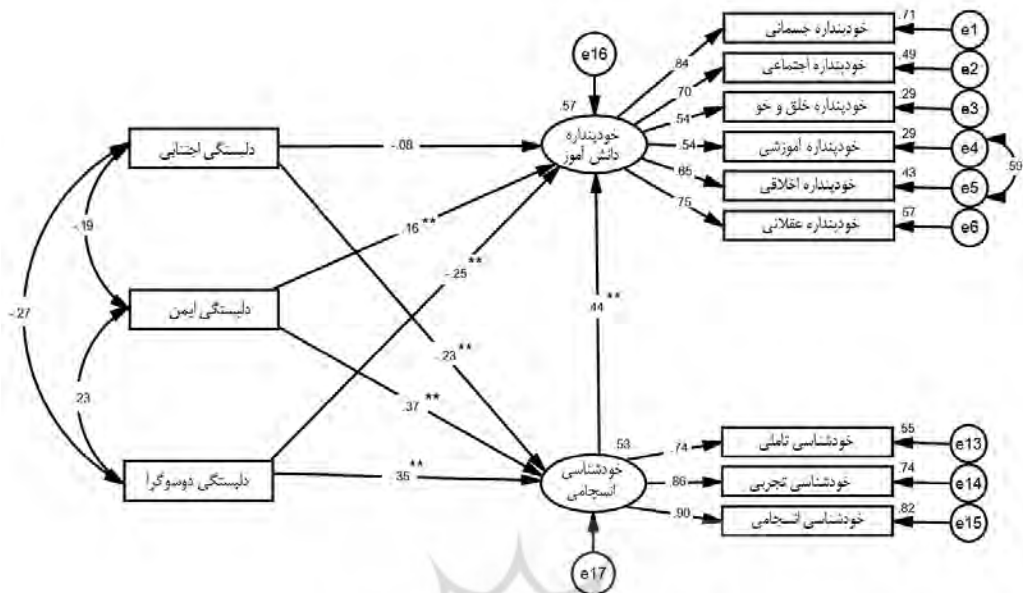
در مدل ساختاری پژوهش حاضر چنین فرض شده بود که سبک‌های دلبستگی والدین هم به صورت مستقیم و هم با میانجی‌گری خودشناسی انسجامی والدین، خودپنداره دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کند. مدل ساختاری تحلیل شد و نتایج نشان داد که همه شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری از برازش مدل ساختاری با داده‌های گرآوری شده حمایت می‌کنند ($\chi^2/df=۳/۶۶$ ، $GFI = ۰/۹۴۴$ ، $CFI = ۰/۹۵۵$ ، $AGFI = ۰/۸۹۸$ و $RMSEA = ۰/۰۷۷$). ضرایب مسیر بین متغیرها در مدل ساختاری پژوهش در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: ضرایب مسیر بین متغیرها در مدل ساختاری

p	β	S.E	b	مسیرها		
۰/۰۰۱	-۰/۲۲۸	۰/۰۲۹	-۰/۱۳۶	دلبستگی اجتنابی ← خودشناسی انسجامی	ضریب مسیر مستقیم	
۰/۰۰۱	-۰/۳۵۳	۰/۰۲۸	-۰/۱۹۶			دلبستگی دوسوگرا ← خودشناسی انسجامی
۰/۰۰۱	۰/۳۶۶	۰/۰۲۹	۰/۲۰۱			دلبستگی ایمن ← خودشناسی انسجامی
۰/۱۰۳	-۰/۰۸۲	۰/۰۴۷	-۰/۰۷۶			دلبستگی اجتنابی ← خودپنداره دانش‌آموز
۰/۰۰۱	-۰/۲۴۸	۰/۰۴۱	-۰/۲۰۷			دلبستگی دوسوگرا ← خودپنداره دانش‌آموز
۰/۰۰۶	۰/۱۵۵	۰/۰۴۲	۰/۱۲۸			دلبستگی ایمن ← خودپنداره دانش‌آموز
۰/۰۰۱	۰/۴۳۷	۰/۰۸۸	۰/۶۵۸	خودشناسی انسجامی ← خودپنداره دانش‌آموز		
۰/۰۰۱	-۰/۱۰۰	۰/۰۲۳	-۰/۰۹۰	دلبستگی اجتنابی ← خودشناسی انسجامی	ضریب مسیر غیرمستقیم	
۰/۰۰۱	-۰/۱۵۵	۰/۰۲۳	-۰/۱۲۹	دلبستگی دوسوگرا ← خودشناسی انسجامی		
۰/۰۰۱	۰/۱۶۰	۰/۰۲۵	۰/۱۳۲	دلبستگی ایمن ← خودشناسی انسجامی		
۰/۰۰۱	-۰/۱۸۲	۰/۰۴۴	-۰/۱۶۴	دلبستگی اجتنابی ← خودشناسی انسجامی	ضریب مسیر کل	
۰/۰۰۱	-۰/۴۰۳	۰/۰۴۱	-۰/۳۳۵	دلبستگی دوسوگرا ← خودشناسی انسجامی		
۰/۰۰۱	۰/۳۱۶	۰/۰۳۷	۰/۲۶۱	دلبستگی ایمن ← خودشناسی انسجامی		

جدول ۴ نشان می‌دهد که ضریب مسیر کل (مجموع ضرایب مسیر مستقیم و غیرمستقیم) بین سبک دلبستگی ایمن والدین ($\beta=0/316, p<0/01$) با خودپنداره دانش‌آموزان مثبت و در سطح $0/01$ معنادار است. در مقابل ضرایب مسیر بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی ($\beta=0/182, p<0/01$) و دوسوگرا ($p<0/01$)، $\beta=-0/403$) با خودپنداره دانش‌آموزان منفی و در سطح $0/01$ معنادار بود. جدول ۴ نشان می‌دهد که ضریب مسیر بین خودشناسی انسجامی والدین و خودپنداره دانش‌آموزان ($\beta=0/437, p<0/01$) مثبت و در سطح $0/01$ معنادار است. جدول ۴ نشان می‌دهد که ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک دلبستگی ایمن والدین ($\beta=0/160, p<0/01$) با خودپنداره دانش‌آموزان مثبت و در سطح $0/01$ معنادار است. در مقابل ضرایب مسیر غیرمستقیم بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی ($\beta=-0/100, p<0/01$) و دوسوگرا ($\beta=-0/160, p<0/01$) والدین با خودپنداره دانش‌آموزان منفی و سطح $0/01$ معنادار بود. بر این اساس چنین نتیجه‌گیری شد که خودشناسی انسجامی والدین رابطه بین سبک دلبستگی ایمن والدین با خودپنداره دانش‌آموزان را به صورت مثبت و رابطه بین دو سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی آنان با خودپنداره دانش‌آموزان را به صورت منفی و معنادار میانجی‌گری می‌کند. شکل ۲ مدل ساختاری پژوهش با استفاده از داده‌های استاندارد را نشان می‌دهد.

شکل ۲ نشان می‌دهد که مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه برای متغیر خودپنداره دانش‌آموز برابر با $0/57$ به دست آمده. این یافته بیانگر آن است که متغیرهای سبک‌های دلبستگی و خودشناسی والدین در مجموع ۵۷ درصد از واریانس خودپنداره دانش‌آموز دختر را تبیین می‌کند.



شکل ۲: مدل ساختاری پژوهش با استفاده از داده‌های استاندارد

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی خودشناسی انسجامی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی والدین و خودپنداره دانش‌آموزان بود. نتایج یافته‌های پژوهش نشان داد خودشناسی انسجامی والدین رابطه بین سبک دلبستگی ایمن والدین با خودپنداره دانش‌آموزان را به صورت مثبت و رابطه بین دو سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی آنان با خودپنداره دانش‌آموزان را به صورت منفی و معنادار میانجی‌گری می‌کند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های صادقی، امامی پور، حسنی و کشاورزی ارشدی^{۵۷} (۲۰۲۲)، پریوست، تاوارز، سیلوا و ماگالهایس (۲۰۲۰)، چویی، لی و رید (۲۰۲۰)، شوئرز، دیتزفلد و زیگلر-هیل^{۵۸} (۲۰۱۵)، نیا^{۵۹} و همکاران (۲۰۱۶)، سلیمانی^{۶۰} و همکاران (۲۰۱۶)، کسلز و هانور^{۶۱} (۲۰۰۸) هم‌سو بودند، این پژوهش‌ها دریافته‌اند که رشد هویت کودکان و نوجوانان به تجارب و ادراکات آن‌ها از خانواده و به‌ویژه والدین وابسته است و در این میان پیوند عمیق و رابطه عاطفی میان والدین حائز اهمیت است و باعث پرورش حس خودباوری و اعتماد به نفس در فرزندان می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به نقش تسهیلگر فرایند خودشناسی در همسانی درونی و ویژگی خودنظم‌دهنده آن، با افزایش میزان خودشناسی، همسانی درونی بیشتر و مشکلات روان‌شناختی کمتر خواهد بود، به این گونه که خودشناسی انسجامی که تجارب و ویژگی‌های مرتبط با آن‌ها را در یک چارچوب معنادار ترکیب و متحد می‌نماید، فرآیندی انعطاف‌پذیر و یکپارچه است که از طریق خودتنظیمی می‌تواند به سلامت روان کمک کند و این امکان را به افراد بدهد که افکار و احساسات خود را از طریق درک توانایی‌های خود و شناسایی مناسب‌ترین فعالیت‌ها برای دستیابی به نتایج مطلوب

سازماندهی کنند و همچنین با برقراری ارتباط بین فعالیت‌های مختلف، و تجارب گذشته و آینده، شرایط مناسبی را برای ارتقای تصور از خود فراهم کنند.

والدین برای کودکان خود، نقش سرمشق و مربی نگرش‌ها، معیارهای اخلاقی و اعتقادات را دارند و فرزندان این اعتقاد را هم از طریق آموزش مستقیم و تقلید و هم از طریق همانندسازی با والدین و درونی کردن نگرش‌ها و اعتقادات والدینشان می‌آموزند. به این ترتیب، دلبستگی والدین و از سوی دیگر، دسترسی پذیری آنان و مراقبت‌های ارائه‌شده توسط آنان نقش مهمی در تصور فرزندان از خودشان بازی می‌کند (هومر^{۶۲}، ۲۰۰۶). والدین با سبک دلبستگی ناایمن به خود اعتماد ندارند، برای خود ارزش کمی قائل‌اند و در مواجهه با مسائل عملکردی ضعیف از خود نشان می‌دهند، چنین والدینی به دلیل اینکه احساس ضعف و ناکارآمدی می‌کنند، نمی‌توانند اعتماد به نفس را در فرزندان خود ایجاد نمایند، در نتیجه فرزندان نیز آن‌ها را ضعیف می‌پندارند و نمی‌توانند به آن‌ها اعتماد کنند، لذا امکان شکل‌گیری سبک ایمن کاهش می‌یابد و سبک‌های ناایمن شکل می‌گیرند و از سویی دیگر، حس اعتماد به خود در فرزندان به‌طور کامل شکل نمی‌گیرد و آنان احتمالاً خودپنداره ضعیفی دارند (احن و لی^{۶۳}، ۲۰۱۶). والدین خشک و انعطاف‌ناپذیر، نزدیکی عاطفی و تأثیر احساسات را محدود می‌کنند و معتقدند همه رفتارها باید بر مبنای قوانین خشک و غیرقابل‌تغییر باشند. چنین شرایطی کیفیت تعاملات و گرمی روابط والدین و فرزندان را کاهش می‌دهد که با اثرگذاری منفی بر روابط بین فردی فرزندان، تأثیر منفی بر خودپنداره آنان بر جای می‌گذارد. برای اینکه کودک از لحاظ هیجانی احساس امنیت کند به رابطه‌ای گرم، محبت‌آمیز و پایدار با بزرگسالانی پاسخگو نیاز دارد تا بتواند به آن‌ها تکیه کند؛ دلبستگی در فرزندان، این احساس امنیت را ممکن می‌سازد. والدین غیرمنعطف با سخت‌گیری‌های خود، حس ناامنی و بی‌اعتمادی را در فرزندان نشان به وجود می‌آورند که تأثیر سوء بر کیفیت خودپنداره فرزندان بر جای می‌گذارد. در این راستا، چنانچه بی‌اعتمادی فقط نسبت به دیگران باشد، سبک اجتنابی و چنانچه علاوه بر دیگران، فرد به خود نیز اعتماد نداشته باشد، سبک اضطرابی شکل می‌گیرد (های و اشمن^{۶۴}، ۲۰۰۳).

به این ترتیب، سبک دلبستگی والدین نقش مستقیمی در خودپنداره فرزندان بازی می‌کند. پیامد روان‌شناختی سبک‌های دلبستگی ناایمن در شرایط تنش‌زا، نبود اعتماد به خود و دیگران است و از سوی دیگر، نداشتن اعتماد به خود با تحلیل بنیادهای درون‌روانی، توان رویارویی با موقعیت‌های تنش‌زا را کاهش می‌دهد و درماندگی روان‌شناختی را بر فرد ناایمن تحمیل می‌کند. این پریشانی و درماندگی بر حسب تجربه‌های نامطلوب به احساسات خودکوچک‌بینی و اضطراب شخص دامن می‌زند که در طی یک فرآیند، زمینه را برای تضعیف خودپنداره و کم شدن اعتماد به نفس فرزندان فراهم می‌کند. در سمت مقابل، فردی که انتظارات مثبت از خود و دیگران دارد، احساس امنیت و دلبستگی ایمن را با درونی شدن احساس «سزاوار مراقبت از خود بودن» داراست، یعنی فرد زمانی که نیاز به مراقبت دارد و یا با عوامل استرس‌زا مواجه می‌شود، این حس شخصی در او به وجود می‌آید. زمانی که فرد یک الگوی مؤثر ایمن را تشکیل می‌دهد بازنمایی‌های درونی مثبتی را از خود در زمینه دلبستگی اتخاذ می‌کند. پس می‌توان بیان نمود که فرد با سبک دلبستگی ایمن و احساس سزاوار مراقبت از خود بودن، توانایی خودتنظیمی هیجان‌ها و مراقبت از خود

در شرایط استرس‌زا را دارد و در این شرایط کمتر از سازوکارهای رشدنا یافته استفاده می‌کند و احساس بهتری نسبت به خود پرورش می‌دهد و در نتیجه از خودپنداره قوی‌تری برخوردار است (گروز^{۶۵}، ۱۹۹۲).

یافته‌های پژوهش حاضر و برازش خوب مدل، نقش واسطه‌ای خودشناسی انسجامی را در رابطه میان جو عاطفی خانواده و خودپنداره تأیید کرده است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت از آنجا که محور اصلی خودشناسی انسجامی، توانایی شخص در بی‌اعتنایی به کشش‌های درونی یا تغییر آن‌ها و نیز توقف تمایلات نامطلوب و پرهیز از عمل بر اساس آن‌هاست، محیط و جو مطلوب و عاطفی خانواده، فرد را مجهز می‌کند که از طریق خودشناسی انسجامی بتواند رفتارهای واکنشی خود را یکپارچه و کنترل کند و از برخی از رفتارها امتناع کند (جونز، اهرلیچ، لیچویز و کسیدی^{۶۶}، ۲۰۱۵). خودشناسی انسجامی متغیری است که در سطح درون فردی نقشی هماهنگ‌کننده ایفا می‌کند و با پردازش اطلاعات مختلف مرتبط با خود فرد، موجب انسجام در سطح سیستم روان‌شناختی می‌شود و افکار و هیجانات و رفتارهای فرد را در روابط بین فردی وی با فرزندانش هدایت می‌کند. به طور کلی زمانی که فرد یک الگوی مؤثر ایمن را همراه با حس انسجام و خودآگاهی درونی می‌کند، بازنمایی‌های درونی مثبتی را از خود در زمینه دلبستگی اتخاذ می‌کند. انگاره‌های دلبستگی‌اش را به لحاظ روان‌شناختی در دسترس و پاسخ‌گو در نظر می‌گیرد و حس مثبتی را از خود و دیگران گسترش می‌دهد. ناایمنی دلبستگی والدین موجب کاهش خودآگاهی شناختی-هیجانی و سپس منجر به ناآگاهی از نیازهای ارضاننده عاطفی-هیجانی می‌شود که افکار و رفتارهای بین فردی آن‌ها را کنترل می‌کنند. این شرایط موجب والدگری ناکارآمد در پرورش فرزندان شده و خودپنداره آن‌ها را نیز تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد (محمدی و صابر^{۶۷}، ۲۰۱۸). به این صورت دلبستگی والدین از طریق خودشناسی انسجامی می‌تواند روی خودپنداره فرزندان تأثیر بگذارد.

با توجه به اینکه نمونه پژوهش حاضر، دختران مقطع متوسطه اول شهر تهران بوده‌اند، در تعمیم نتایج به دانش‌آموزان مقاطع، مناطق و شهرهای دیگر و همچنین به دانش‌آموزان پسر باید جانب احتیاط را رعایت نمود. همچنین با توجه به اینکه انجام این پژوهش به صورت مقطعی بوده است، داده‌ها تنها در یک مقطع زمانی خاص به دست آمده‌اند که نتیجه‌گیری درباره علیت را دشوار می‌سازد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی در نمونه‌های متفاوت به لحاظ سن و مقطع تحصیلی انجام شود و با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود و پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران آتی با انجام پژوهش کیفی با به کارگیری مصاحبه عمیق به بررسی متغیرهای حاضر بپردازند.

با عنایت به نقش میانجی خودشناسی انسجامی و همچنین اثرات مستقیم سبک‌های دلبستگی والدین بر خودپنداره فرزندان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی با محوریت ارتقای خودشناسی و دلبستگی برای خانواده‌ها می‌تواند جهت ارتقای آگاهی والدین از عملکردشان و تأثیر آن بر فرزندان نوجوان خود کمک‌کننده باشد. غربالگری والدین دانش‌آموزان از حیث سبک‌های دلبستگی و بررسی مشکلات جاری آن‌ها به همراه ارائه خدمات مشاوره‌ای به چنین والدینی به همراه فرزندانشان، می‌تواند گام بزرگی در ارتقای سطح سلامت روان دانش‌آموزان باشد. به‌طور کلی، با توجه به اینکه نوجوانان در هر جامعه‌ای به‌عنوان سرمایه‌های بسیار مهم آن جامعه محسوب می‌شوند، هر فرایند یا رویدادی اگر موجب وقفه در رشد روانی-اجتماعی این گروه از افراد جامعه شود، موجب هدر رفتن یا بیراهه رفتن منش روانی اجتماعی در این افراد خواهد شد. خانواده در رشد

مطلوب نوجوانان و جوانان دارای نقش اساسی است و نتایج تحقیقات نیز مؤید این مطلب است که اگر جو عاطفی خانواده نامطلوب یا نامساعد باشد منجر به بروز مشکلات عدیده‌ای برای فرزندان خواهد شد. مشکلات ناشی از کیفیت پایین حضور والدین و محرومیت‌های روان‌شناختی و هیجانی گوناگون، مانع جدی و عامل بازدارنده مهمی برای رشد بهنجاری در رفتارهای روان‌شناختی نوجوانان است. از سویی دیگر، خانواده‌هایی که با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند، با پیامدهای متعددی در زمینه‌های مختلف روبه‌رو هستند. چنین شرایطی می‌تواند به‌عنوان یک متغیر مهم محیطی به طور مستقیم و غیرمستقیم، اثرات ویژه‌ای بر رشد عمومی و ابعاد مختلف رفتار نوجوانان (به‌خصوص در زمینه سلامت روانی، جسمانی و عملکرد تحصیلی) داشته باشد. توجه به فرزندان چنین خانواده‌هایی و غربالگری کسانی که با مشکلات عمیق‌تری مواجه هستند، ارزش‌های بنیادین و فراوان قابل‌ملاحظه‌ای دارد که می‌تواند به‌عنوان بستری برای انجام مداخلات مختلف حمایتی، توان‌بخشی و روان‌شناختی در نظر گرفته شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Potrebny
2. Vivolo, Holt & Massetti
3. Yoshimasu
4. Aasen Nilsen, Breivik, Wold & Bøe
5. Carnes-Holt
6. Jewell
7. Brophy, Brähler, Hinz, Schmidt & Körner
8. Shenkman, Stein & Bos
9. Köruk, Öztürk & Kara
10. Alexander & O'Hara
11. Kokkinos, Algiovanoglou & Voulgaridou
12. Romeo
13. Brumariu
14. Zimmer-Gembeck
15. Goossens
16. Cowan, Cowan, Pruett & Pruett
17. Prioste, Tavares, Silva & Magalhães
18. Choe, Lee & Read
19. Berzonsky & Kuk
20. Schmidt-Hellerau
21. Oyemade, Washington & Gullo
22. Simare Mare & Usman
23. Chang, McBride-Chang, Stewart & Au
24. Padial-Ruz
34. Ghasemipour, Robinson
35. Behjati, Saeedi, Noorbala, Enjedani & Meybodi
36. Fayyaz & Chen
37. Structural equation modeling
38. Steven
39. Meyers, Gamst & Guarino
40. Michelle
41. self-concept questionnaires
42. Rogers
43. Karami
44. Test-retest
45. Doostan
46. Bakhsh, Moein, Sahami
47. Hazan & Shaver
48. Ghanbari, Hatami, Esmaili & Farahbakhsh
49. Pakdaman
50. Moazen, Aghaei, Golparvar
51. Arghabaei, Solimani, Mohammadipoor & Ghalehnovy
52. Integrative Self-Knowledge Scale
53. Waterman
54. Variance inflation factor
55. Tolerance
56. Rak klain
57. Sadeghi, Emamipour, Hasani & Keshavarzi Arshadi

- | | |
|---|--------------------------------------|
| 25. Vandeleur, Jeanpretre, Perrez & Schoebi | 58. Showers, Ditzfeld & Zeigler-Hill |
| 26. Behnke | 59. Nia |
| 27. Bing, Watson, Davison & LeBreton | 60. Soleimani |
| 28. Hargis | 61. Kessels & Hannover |
| 29. Asghari & Besharat | 62. Homer |
| 30. Imani, Karimi, Behbahani & Omid | 63. Ahn & Lee |
| 31. Cunningham | 64. Hay & Ashman |
| 32. Alipour & Farzad | 65. Groze |
| 33. Valikhani & Goodarzi | 66. Jones, Ehrlich, Lejuez & Cassidy |
| | 67. Mohammadi & Saber |

منابع

- ارقیایی، م.، سلیمانیان، ع.، محمدی‌پور، م.، و قلعه‌نوی، ف. (۱۳۹۸). نقش سبک دلبستگی در گرایش به مصرف مواد: بررسی نقش میانجی حس انسجام. *فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*، ۱۳(۵۳)، ۹۸-۱۱۸.
- بخش، ف.، معین، ل.، و سهامی، س. (۱۳۹۱). رابطه ساختار قدرت در خانواده با خودپنداره و سلامت روانی زنان معلم مقطع ابتدایی شهر داراب. *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، ۴(۱۶)، ۴۹-۶۳.
- پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی*. رساله دکتری روان‌شناسی، دانشگاه تهران
- دوستان، م. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با سلامت روان زنان معلم دوره ابتدایی و متوسطه شهر شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- قنبری هاشم‌آبادی، ب.، حاتمی ورزنده، ا.، اسامعیلی، م.، و فرحبخش، ک. (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی. *فصلنامه جامعه‌شناسی زنان*، ۲(۳)، ۳۹-۶۰.
- مؤذنی، ط.، آقایی، ا.، و گل پرور، م. (۱۳۹۳). پیش‌بینی سبک‌های دلبستگی فرزندان براساس شیوه‌های فرزندپروری والدین. *فصلنامه آموزش و ارزشیابی*، ۷(۲۵)، ۸۷-۹۹.
- Aasen Nilsen, S., Breivik, K., Wold, B., & Bøe, T. (2018). Divorce and family structure in Norway: Associations with adolescent mental health. *Journal of Divorce & Remarriage*, 59(3), 175-194.
- Ahn, J. A., & Lee, S. (2016). Peer attachment, perceived parenting style, self-concept, and school adjustments in adolescents with chronic illness. *Asian Nursing Research*, 10(4), 300-304.
- Alexander, K. W., & O'Hara, K. D. (2009). *An integrated model of emotional memory: Dynamic transactions in development*. Oxford: Oxford University Press.
- Arghabaei, M., Solimani, A. A., Mohammadipoor, M., & Ghalehnovy, F. (2019). The role of attachment style in substance use tendency: Investigating the mediating role of sense of coherence. *Scientific Quarterly Research on Addiction*, 13(53), 97-118 [in Persian].
- Asghari, M. S., & Besharat, M. A. (2011). The relation of perceived parenting with integrative self-knowledge. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30(1), 226-230.

- Bakhsh, F., Moein, L., & Sahami, S. (2012). Relationship of Power Structure in the Family with Self-concept and Mental Health of Female Elementary Teachers in the City of Darab. *Women and Family Studies*, 5(16), 49-64 [in Persian].
- Behjati, Z., Saeedi, Z., Noorbala, F., Enjedani, E., & Meybodi, F. A. (2011). Integrative self-knowledge and mental health. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 705-708.
- Behnke, A. O., MacDermid, S. M., Coltrane, S. L., Parke, R. D., Duffy, S., & Widaman, K. F. (2008). Family cohesion in the lives of Mexican American and European American parents. *Journal of Marriage and Family*, 70(4), 1045-1059.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university. *Journal of adolescent research*, 15(1), 81-98.
- Brophy, K., Brähler, E., Hinz, A., Schmidt, S., & Körner, A. (2020). The role of self-compassion in the relationship between attachment, depression, and quality of life. *Journal of affective disorders*, 260, 45-52.
- Brumariu, L. E. (2015). Parent-child attachment and emotion regulation. *New directions for child and adolescent development*, 148(2), 31-45.
- Carnes-Holt, K. (2012). Child-parent relationship therapy for adoptive families. *The Family Journal*, 20(4), 419-426.
- Chang, L., McBride-Chang, C., Stewart, S. M., & Au, E. (2003). Life satisfaction, self-concept, and family relations in Chinese adolescents and children. *International Journal of Behavioral Development*, 27(2), 182-189.
- Choe, S. Y., Lee, J. O., & Read, S. J. (2020). Self-concept as a mechanism through which parental psychological control impairs empathy development from adolescence to emerging adulthood. *Social Development*, 29(3), 713-731.
- Cowan, P. A., Cowan, C. P., Pruett, M. K., & Pruett, K. (2019). Fathers' and mothers' attachment styles, couple conflict, parenting quality, and children's behavior problems: An intervention test of mediation. *Attachment & human development*, 21(5), 532-550.
- Doostan, M. (2009). Investigating the relationship between power structure in the family with the mental health of female primary and secondary school teachers in Shiraz. Master Thesis, Islamic Azad University, Marvdasht Branch [in Persian].
- Ghanbari, B., Hatami, A., Esmaili, M., Farahbakhsh, K. (2011). On the Relationship among Parenting Styles, Attachment Styles and Marital Commitment in Arried Female Students of Allameh Tabatabai University. *Quarterly Journal of Women and Society*, 2(7), 39-60 [in Persian].
- Ghasemipour, Y., Robinson, J. A., & Ghorbani, N. (2013). Mindfulness and integrative self-knowledge: Relationships with health-related variables. *International Journal of Psychology*, 48(6), 1030-1037.
- Ghorbani, N., Alipour, A., & Farzad, V. (2016). The mediating role self-knowledge process (integrative self-knowledge and mindfulness) and self-control in regulating of relationship between perceived and objective stress and anxiety, depression, and physical symptoms.
- Ghorbani, N., Bing, M. N., Watson, P. J., Davison, H. K., & LeBreton, D. L. (2003). Individualist and collectivist values: Evidence of compatibility in Iran and the United States. *Personality and Individual Differences*, 35(2), 431-447.

- Ghorbani, N., Cunningham, C. J., & Watson, P. J. (2010). Comparative analysis of integrative self-knowledge, mindfulness, and private self-consciousness in predicting responses to stress in Iran. *International Journal of Psychology, 45*(2), 147-154.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., & Hargis, M. B. (2008). Integrative Self-Knowledge Scale: Correlations and incremental validity of a cross-cultural measure developed in Iran and the United States. *The Journal of Psychology, 142*(4), 395-412.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Chen, Z., & Norballa, F. (2012). Self-compassion in Iranian Muslims: Relationships with integrative self-knowledge, mental health, and religious orientation. *International Journal for the Psychology of Religion, 22*(2), 106-118.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Fayyaz, F., & Chen, Z. (2015). Integrative self-knowledge and marital satisfaction. *The Journal of Psychology, 149*(1), 1-18.
- Goossens, L., Braet, C., Bosmans, G., & Decaluwé, V. (2011). Loss of control over eating in pre-adolescent youth: The role of attachment and self-esteem. *Eating behaviors, 12*(4), 289-295.
- Groze, V. (1992). Adoption, attachment and self-concept. *Child and Adolescent Social Work Journal, 9*(2), 169-191.
- Hay, I., & Ashman, A. F. (2003). The development of adolescents' emotional stability and general self-concept: The interplay of parents, peers, and gender. *International journal of disability, development and education, 50*(1), 77-91.
- Homer, M. M. (2006). *An examination of the relationship between family of origin rituals and young adult attachment style*. Brigham Young University.
- Imani, M., Karimi, J., Behbahani, M., & Omidi, A. (2017). Role of mindfulness, psychological flexibility and integrative self-knowledge on psychological well-being among the university students. *Feyz Journal of Kashan University of Medical Sciences, 21*(2), 171-178.
- Jewell, T., Gardner, T., Susi, K., Watchorn, K., Coopey, E., Simic, M., ... & Eisler, I. (2019). Attachment measures in middle childhood and adolescence: A systematic review of measurement properties. *Clinical psychology review, 68*, 71-82.
- Jones, J. D., Ehrlich, K. B., Lejuez, C. W., & Cassidy, J. (2015). Parental knowledge of adolescent activities: links with parental attachment style and adolescent substance use. *Journal of Family Psychology, 29*(2), 191.
- Kessels, U., & Hannover, B. (2008). When being a girl matters less: Accessibility of gender-related self-knowledge in single-sex and coeducational classes and its impact on students' physics-related self-concept of ability. *British journal of Educational psychology, 78*(2), 273-289.
- Kokkinos, C. M., Algiovoglou, I., & Voulgaridou, I. (2019). Emotion Regulation and Relational Aggression in Adolescents: Parental Attachment as Moderator. *Journal of Child and Family Studies, 28*(11), 3146-3160.
- Körük, S., Öztürk, A., & Kara, A. (2016). The Predictive Strength of Perceived Parenting and Parental Attachment Styles on Psychological Symptoms among Turkish University Students. *International Journal of Instruction, 9*(2), 215-230.
- Meyers, L. S., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2016). *Applied multivariate research: Design and interpretation*. London: Sage publications.
- Moazen, T., Aghaei, A., Golparvar, M. (2014). Predicted Students attachment styles based on Parents parenting styles. *Journal of Instruction and Evaluation, 7*(25), 87-99 [in Persian].

- Mohammadi, T., & Saber, S. (2018). The mediating role of self-concept in relation between attachment to parents and peers with prosocial behaviors. *Quarterly of Applied Psychology, 12*(3), 396-417.
- Nia, S. H. S., Sharif, S. P., Goudarzian, A. H., Haghdooost, A. A., Ebadi, A., & Soleimani, M. A. (2016). An evaluation of psychometric properties of the Templer's Death Anxiety Scale-Extended among a sample of Iranian chemical warfare veterans. *Hayat, 22*(3), 229-244.
- Oyemade, U. J., Washington, V., & Gullo, D. F. (1989). The relationship between Head Start parental involvement and the economic and social self-sufficiency of Head Start families. *The Journal of Negro Education, 58*(1), 5-15.
- Padial-Ruz, R., Pérez-Turpin, J. A., Cepero-González, M., & Zurita-Ortega, F. (2020). Effects of physical self-concept, emotional isolation, and family functioning on attitudes towards physical education in adolescents: Structural equation analysis. *International Journal of Environmental Research and Public Health, 17*(1), 94.
- Pakdaman, M. (2000). Investigating the relationship between attachment and socialism in adolescence. PhD Thesis in Psychology, University of Tehran [in Persian].
- Potrebny, T., Wium, N., Haugstvedt, A., Sollesnes, R., Torsheim, T., Wold, B., & Thuen, F. (2019). Health complaints among adolescents in Norway: A twenty-year perspective on trends. *PloS One, 14*(1), e0210509.
- Prioste, A., Tavares, P., Silva, C. S., & Magalhães, E. (2020). The relationship between family climate and identity development processes: the moderating role of developmental stages and outcomes. *Journal of Child and Family Studies, 29*(6), 1525-1536.
- Romeo, A., Di Tella, M., Ghiggia, A., Tesio, V., Fusaro, E., Geminiani, G. C., & Castelli, L. (2020). Attachment style and parental bonding: Relationships with fibromyalgia and alexithymia. *PloS one, 15*(4), e0231674.
- Sadeghi, N., Emamipour, S., Hasani, F., & Keshavarzi Arshadi, F. (2022). Explaining the mental health model based on integrative self-knowledge and social support mediated by perceived stress in infertile women. *Razavi International Journal of Medicine, 10*(1), 28-36.
- Schmidt-Hellerau, C. O. R. D. E. L. I. A. (2005). The other side of Oedipus. *The Psychoanalytic Quarterly, 74*(1), 187-217.
- Shenkman, G., Stein, Y., & Bos, H. (2019). The mediating role of attachment avoidance in the association between sexual orientation and mental health. *Journal of Homosexuality, 1-15*
- Showers, C. J., Ditzfeld, C. P., & Zeigler-Hill, V. (2015). Self-concept structure and the quality of self-knowledge. *Journal of personality, 83*(5), 535-551.
- Soleimani, M. A., Bahrami, N., Yaghoobzadeh, A., Banihashemi, H., Nia, H. S., & Haghdooost, A. A. (2016). Validity and reliability of the persian version of templer death anxiety scale in family caregivers of cancer patients. *Iranian journal of nursing and midwifery research, 21*(3), 284.
- Valikhani, A., & Goodarzi, M. A. (2017). Contingencies of self-worth and psychological distress in Iranian patients seeking cosmetic surgery: Integrative self-knowledge as mediator. *Aesthetic Plastic Surgery, 41*(4), 955-963.

- Vandeleur, C. L., Jeanpretre, N., Perrez, M., & Schoebi, D. (2009). Cohesion, satisfaction with family bonds, and emotional well-being in families with adolescents. *Journal of Marriage and Family*, 71(5), 1205-1219.
- Vivolo, A. M., Holt, M. K., & Massetti, G. M. (2011). Individual and contextual factors for bullying and peer victimization: Implications for prevention. *Journal of School Violence*, 10(2), 201-212.
- Waterman, A. S. (1999). Identity, the identity statuses, and identity status development: A contemporary statement. *Developmental Review*, 19(4), 591-621.
- Yoshimasu, K., Barbaresi, W. J., Colligan, R. C., Voigt, R. G., Killian, J. M., Weaver, A. L., & Katusic, S. K. (2012). Childhood ADHD is strongly associated with a broad range of psychiatric disorders during adolescence: a population-based birth cohort study. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 53(10), 1036-1043.
- Zimmer-Gembeck, M. J., Webb, H. J., Pepping, C. A., Swan, K., Merlo, O., Skinner, E. A., ... & Dunbar, M. (2017). Is parent-child attachment a correlate of children's emotion regulation and coping?. *International Journal of Behavioral Development*, 41(1), 74-93.

